

گفتگوی
مصطفی
هجری ...



یادی از
شهیدان
رهبری ...



جام زهر
هسته‌ای
و ...



مبارزه
در راه
نان



خشونت
علیه زنان
رفتاری ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۱۸ شنبه، ۱۶ آذر ۱۳۹۲، ۷ دسامبر ۲۰۱۳، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

ماندلا جاودانه شد



سفن

ناهید حسینی

شعار بی اساس

حسن روحانی، رئیس‌جمهور تازه به قدرت رسیده‌ی ایران، این‌بار بر درب بسته‌ی حقوق شهروندان زده و کلید زنگ زده‌ی دولت به اصطلاح تدبیر و امید خود را در قفل بسته و پلمپ شده بر حقوق شهروندان انداخته است. ظرف چند روز گذشته، سایت اینترنتی رژیم ایران پیش‌نویس متنی را به نام 'منشور حقوق شهروندی' منتشر نموده است. گویا این منشور قرار است راهکارها و خطوط اصلی عملکرد دولت را در برابر حقوق و آزادی‌های فردی مشخص نماید.

اساس حقوق شهروندی در کشورهای دمکراتیک، قانون اساسی است که بر اساس حقوق فردی و جمعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و بر اساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های بین‌المللی مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تدوین شده باشد.

با نگاهی گذرا به منشور حقوق شهروندی روحانی، تهی بودن آن از محتوا به وضوح دیده می‌شود. در این منشور، به شکلی کلی از آزادی اندیشه و بیان، نشریات و حتی وبلاگ، سایت و روزنامه‌ها سخن به میان آمده است و نیز از آزادی زنان و حق انتخاب پوشش برای آنان نوشته شده است، اما در خلال اکثر جملات، جملاتی همچون "مگر به حکم دادگاه صالحه"، "در صورت رعایت قانون"، "در قالب ضوابط قانونی"، "در صورتی که مخل میانی اسلام و نظم عمومی نباشد"، "در چهارچوب قوانین و مقررات"، "مگر به موجب قانون" و... بکار رفته است. اما آیا مشکلات زنان در ایران تنها به چگونگی نوع پوشش آنها ختم می‌شود؟ آیا در این منشور، احراز پست‌های حساسی همچون ریاست جمهوری و قضاوت و... به عنوان یک حق مسلم شهروندی در نظر گرفته شده است؟ آیا این منشور شامل حال زندانیان سیاسی که به دلیل دگراندیشی در سیاه‌چال‌های رژیم نگه داشته شده‌اند، خواهد شد؟ آیا قدرت مطلقه‌ی ولی‌فقیه و استثنای شیعه‌ی اثناعشری بودن، کنار گذاشته خواهند شد و زمینه‌ی انجام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بر اساس حقوق بشر برای شهروندان ایرانی فراهم خواهد شد؟

بن‌مایه‌ی این منشور، متکی به قانون اساسی رژیم است و این قانون هم مملو از تبعیض و پایمال نمودن حقوق و کرامت زنان و اقلیت‌های دینی و ملی است. همچنین این منشور، تنها مجموعه‌ای شعار طلایی است که در پوشش کلمات و جملاتی فریبده استعار شده‌اند و مسئولیتشان حفظ سیستمی است که در آن انسان‌ها و حقوقشان، تنها ابزارهایی برای رسیدن به اهداف ولی‌فقیه هستند

جیکوب زوما، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی شامگاه روز پنجشنبه ۵ دسامبر ۲۰۱۳ خبر درگذشت نلسون ماندلا، رئیس‌جمهور پیشین آفریقای جنوبی، رهبر جنبش ضد آپارتاید و برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل را در زوهانسبورگ، رسماً اعلام کرد.

دولت آفریقای جنوبی در اطلاعیه‌ای به همین مناسبت اعلام کرد برای ادای احترام به رهبر محبوب سیاهان آفریقا، تا زمان پایان برگزاری مراسم، تدفین، پرچم‌ها در داخل و در سفارتخانه‌های این کشور به حالت نیمه‌افراشته خواهد بود.

خبر درگذشت این رهبر بزرگ مبارزات ضدآپارتیستی، بازتاب گسترده‌ای در سراسر جهان داشت. آمریکا و انگلستان پرچم‌های خود را به حالت نیمه‌افراشته درآوردند و دولت هندوستان ۵ روز عزای عمومی اعلام کرد.

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلستان، فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، بن‌کی‌مون دبیرکل سازمان ملل متحد و بسیاری از رهبران سیاسی، نهادها و شخصیت‌های معروف در سرتاسر جهان با ارسال پیام‌ها و ایراد سخنانی، ماندلا را قهرمانی برای همیشه‌ی تاریخ خوانده و درگذشت او را تسلیت گفتند.

مارتین شولتز، رئیس پارلمان اروپا نیز ضمن تسلیت به دولت و ملت آفریقای جنوبی گفت: "آفریقا پدر خود را و جهان یکی از قهرمانان انسانیت و مردانگی دوران را از دست داد".

فردریک دی‌کلارک، آخرین رئیس‌جمهور سفیدپوست آفریقای جنوبی گفت: "ماندلا با مهربانی و انسانیت خود آفریقای جنوبی را متحد ساخت". خولی ساسا ماندلا در سال ۱۹۱۸ در ترانسکای در جنوب آفریقا به دنیا آمد. ۹

ساله بود که معلم دبستان متدیست (شاخه ای از کلیسای پروتستان) در کونوی آفریقا جنوبی، که او در آن تحصیل می‌کرد، نام انگلیسی نلسون را برای او انتخاب کرد. ماندلا در سال ۱۹۴۲ از دانشگاه فورت هایر اخراج شد و در سال ۱۹۴۳ به کنگره‌ی ملی آفریقای جنوبی پیوست و سپس در سال ۱۹۵۸ مسئول شاخه‌ی نظامی این تشکیلات را به عهده گرفت. در سال ۱۹۶۰، ماندلا مبارزه‌ی مسلحانه علیه سیاست‌های تبعیض نژادی را سازماندهی کرد و سپس دستگیر و پس از ۴ سال محاکمه، در سال ۱۹۶۴ به اتهام خیانت به کشور به حبس ابد محکوم شد.

او پس از ۲۷ سال زندان در ۱۱ فوریه ۱۹۹۰ آزاد شد. در سال ۱۹۹۳ جایزه صلح نوبل به پاس مبارزات صلح آمیز نلسون ماندلا علیه رژیم آپارتاید به او اهدا شد. در سال ۱۹۹۴ به عنوان اولین رئیس

جمهور سیاهپوست به ریاست‌جمهوری انتخاب شد و در سال ۱۹۹۹ اعلام بازنشستگی سیاسی کرد. از مهمترین دستاوردهای ماندلا، ایجاد وحدت و انسجام میان سیاهپوستان و سفیدپوستان آفریقای جنوبی است. وی پس از بازنشستگی سیاسی، مرکز کمک‌های خیریه‌ی "نلسون ماندلا" را تأسیس کرد.

ماندلا در دهه‌ی هشتاد، هنگام گذراندن محکومیت زندان، به بیماری سل مبتلا گردید و در نتیجه‌ی همان بیماری در ماه‌های اخیر، چند بار بر اثر مشکل عفونت ریوی در بیمارستان بستری شد. در تابستان سال جاری، وخامت وضع جسمی باعث شد که بار دیگر در بیمارستان بستری شود اما پس از مدتی، به خانه منتقل شد و تحت مراقبت ویژه پزشکی قرار گرفت و در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۳ در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

بیانیه‌ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

درباره‌ی توافق هسته‌ای ژنو



این زبان هنگفت شده‌اند. پس از تحمل این همه زیان و بی‌اعتبار شدن سیمای مردم ایران و افشای چهره‌ی تروریستی رژیم در میان افکار عمومی جهان، رژیم جمهوری اسلامی زانو زده و این همه هزینه‌ها را بی‌جهت بر این کشور تحمیل نموده است. پس از تصویب و صدور چندین قطعنامه و وضع و اجرای چندین طرح و قانون تحریم و مجازات علیه رژیم جمهوری اسلامی توسط غرب، سران رژیم از بی‌تأثیر بودن تحریم‌ها و قطعنامه‌ها سخن می‌راندند و حتی رهبری رژیم از توسعه و رشد بیشتر علیرغم وجود تحریم‌ها و خلق حماسه‌ی اقتصادی و اینکه در شرایط پدر و خبیر قرار گرفته‌اند، سخن به میان می‌آورد، اما دولت جدید رژیم این واقعیت را مسجل ساخت که خزانه‌ی دولت، خالی است و آن‌ها قادر به پرداخت حقوق ماهانه‌ی کارمندان و یارانه مردم نیستند.

در چنین وضعیتی که تحت فشار شدید اقتصادی و تحریم‌ها قرار داشتند و پولی برای تداوم توطئه‌های تروریستی و پروژه‌ی اتمی خود نداشتند، به منظور تداوم بقای خویش و ننه به دلیل وضعیت نامناسب و بد مردم، در مقابل فشارهای جهانی گردن خم نمودند و تسلیم شدند. این توافقنامه که در ۲۴ نوامبر در ژنو و میان نماینده‌ی رژیم و گروه ۵+۱ به امضا رسید، توافقتنامه‌ای موقتی به مدت ۶ ماه می‌باشد که می‌بایستی در این مدت رژیم جمهوری اسلامی، در رابطه با مفادی که درباره‌ی آن‌ها به توافق رسیده و تعهد نموده است، پایبند باشد و این پایبندی را به اثبات برساند، در غیر این صورت،

با گذشت بیش از ۱۰ سال کشمکش و عدم توجه به قطعنامه‌های بین‌المللی، رژیم جمهوری اسلامی تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی و تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی، به‌ناچار زانو زده و در مقابل فشارهای بین‌المللی سر فرود آورد و در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، موافقتنامه‌ای را با گروه معروف به ۵+۱ امضا نمود. در این توافق، هر چند به صورت موقتی برخی امتیازات اقتصادی اندک و کوچک را اخذ نمود، اما در مقابل، از بخش چشمگیری از پروژه‌ی هسته‌ای خود چشم‌پوشی کرده و به عنوان طرف بازنده در این موافقت‌نامه مطرح گردیده است.

بیش از ۲۰ سال است که رژیم جمهوری اسلامی به صورت پنهانی و آشکارا، پروژه‌ی هسته‌ای خویش را توسعه می‌دهد و در صدد دستیابی به سلاح اتمی بوده است. بر اساس برخی پژوهش‌ها، افزون بر ۱۷۰ میلیارد دلار از ثروت و سامان کشور را در راستای این پروژه هزینه و خرج کرده است، البته این مبلغ، آن بخش از هزینه‌هایی را که کشور به دلیل وضع تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی متحمل شده، شامل نمی‌گردد. بر اساس گزارش رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم در مدت ۸ سال گذشته، افزون بر ۸۰۰ میلیارد دلار زبان اقتصادی بر کشور تحمیل شده است که جمع این زبان‌ها و پول هزینه شده برای پروژه‌ها و زبان چند سال گذشته نیز مبلغی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار را نشان می‌دهد که در راستای ترمد و گردنکشی اتمی رژیم جمهوری اسلامی، اقتصاد و زندگی ملیت‌های ایرانی متحمل

حزب چپ سوئد: در نشست‌های خود، مسائل ملت کرد را بررسی می‌کنیم

از انتخابات و اقدامات صورت گرفته‌ی بعد از انتخابات، دخالت رژیم ایران در امور دیگرکشورهای منطقه، ارسال سلاح به رژیم سوریه و حزب‌الله لبنان، تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی و وقت‌کشی رژیم ایران از طریق گفتگو و مذاکره و همچنین مسائل و مشکلات میان رژیم ایران و ترکیه، مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفتند. "هانس لینده"، ضمن ابراز خوشحالی از این دیدار، بر اهمیت مسأله‌ی ملت کرد تأکید کرده و در این رابطه گفت: "ما همواره مسائل مربوط به ملت کرد را پیگیری کرده و این مسائل را در نشست‌های خود به بحث و گفتگو گذاشته‌ایم."

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، "حمید تیموری"، نماینده‌ی روابط خارجی حزب دمکرات در سوئد در دیدار با نماینده‌ی روابط حزب چپ این کشور که در تاریخ ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۲ در پارلمان سوئد انجام شد، در رابطه با مسأله‌ی کرد گفتگو نمود. تاریخچه‌ی مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران، رویدادهای اخیر ایران، اعدام جوانان و زندانیان سیاسی کرد و دیگر ملیت‌های ایرانی، از مباحث اصلی مورد گفتگو این دیدار بودند. در این دیدار، موضوعاتی نظیر انتخابات ریاست‌جمهوری ایران و وجود تناقض میان عملکرد دولت روحانی و وعده‌های پیش

نماینده‌ی روابط خارجی حزب دمکرات کردستان ایران در سوئد با "هانس لینده"، نماینده‌ی روابط حزب چپ این کشور دیدار کرد.



برگزاری مراسم پایانی دوره ۲۰۹ آموزش پیشمرگ کردستان



۲۰۹ آموزش مقدماتی پیشمرگ توسط "سهیلا مرتضوی" یکی از شرکت‌کنندگان دوره، قرائت گردید. در ادامه‌ی این مراسم، از سوی "الهام چاپچی" مسئول اتحادیه‌ی زنان دمکرات

مراسم اختتامیه‌ی دوره‌ی ۲۰۹ آموزش مقدماتی پیشمرگ، از سوی کمیسیون آموزش حزب دمکرات کردستان ایران برگزار گردید.

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، روز چهارشنبه ششم آذرماه ۱۳۹۲، مراسم اختتامیه‌ی دوره‌ی ۲۰۹ آموزش مقدماتی پیشمرگ با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام شهیدان راه آزادی کردستان آغاز گردید.

در ادامه‌ی این مراسم شرکت‌کنندگان دوره، در چند بخش متفاوت از جمله "رژه، جنگ سرنیزه و آمادگی جسمانی"، آمادگی خود را به نمایش گذاشتند.

در بخش دیگری از این مراسم، "لقمان مهفر" عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات سخنانی را ایراد کرد.

گزارش آموزشی دوره توسط "سامرند انبری‌آذر" استاد آموزشگاه و پیام دوره‌ی

رژیم بشار اسد و گروه‌ها و نقاط دیگر از نخستین اولویت‌های رژیم می‌باشد و در صورت باقی ماندن اندکی از ثروت کشور، آن را در راه مسلح و مجهز نمودن نیروهای نظامی و امنیتی خویش صرف می‌کنند و سهم مردم ایران، چیزی به غیر از فقر و سرکوب نخواهد بود.

آنچه که جهانیان و کشورهای آزاد و سازمان‌های طرفدار حقوق بشر و آزادی نباید از یاد ببرند، این است که مشکل جمهوری اسلامی برای جهان، منطقه و کشور ایران تنها به مشکل سلاح اتمی و پروژه‌ی هسته‌ای آن محدود نمی‌شود، بلکه قبل از هر چیز، رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی خودکامه و دیکتاتور است که در قرن بیست‌ویکم به شیوه‌ی قرون وسطایی حکومت کرده و مردم را به ویژه ملیت‌های ایران را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار داده و ستم سیاسی، اقتصادی و ملی را علیه آن‌ها اعمال می‌کند.

مشکل دیگر جمهوری اسلامی برای جهان و منطقه، مسأله‌ی توسعه، ترویج و حمایت از تروریسم، اخلاک‌گری و تندروری در جهان و دخالت در امور کشورهای منطقه و وخیم‌تر نمودن مشکلات است، همان‌گونه که در سوریه، عراق، بحرین و در بسیاری از نقاط دیگر جهان به وضوح از فتنه‌انگیزی و تندروری طرفداری و حمایت می‌نماید.

هر چند آنگونه که در گذشته به اثبات رسیده است، رژیم جمهوری اسلامی در برابر قراردادهای بین‌المللی خود را مسئول ندانسته و این احتمال نیز وجود دارد که از امضای قرارداد ژنو نیز به منظور دستیابی به زمان لازم و متوقف نمودن موقتی تحریم‌ها استفاده نماید، با این وجود نیز:

حزب دمکرات کردستان ایران
- خرسند است که در صورت اجرای این قرارداد، ممکن است بخش عظیمی از ثروت و سامان کشور که

بایستی برای بهبود وضعیت زندگی مردم و آبادانی کشور صرف شود، دیگر بی‌جهت صرف توسعه‌ی پروژه‌ی هسته‌ای ایران نگردد، علاوه بر این، ممکن است که از نظر اقتصادی و کمبودهایی که امروزه مردم ایران را در مضیقه قرار داده‌اند، کاهش برخی از تحریم‌ها از سوی غرب بر احیای اقتصاد کشور و زندگی مردم مؤثر باشد.

- از جامعه‌ی جهانی درخواست می‌نماید که در صورت تداوم این موافقت‌نامه پس از شش ماه، جمهوری اسلامی را موظف نمایند که تأمین حقوق بشر، فراهم نمودن زمینه‌های آزادی‌های سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و متوقف ساختن اعدام آن‌ها و نیز تصویب و پذیرش حقوق سیاسی ملیت‌های ایران و از جمله ملت کرد را مورد توجه قرار دهد.

- تسلیم شدن و زانو زدن رژیم در مقابل جامعه‌ی جهانی، این واقعیت را به اثبات رساند که این رژیم علیرغم تمام خود بزرگ‌بینی‌ها و تهدیداتش، تا چه اندازه مستأصل و درمانده است که بدون هیچ‌گونه هجوم نظامی‌ای، بطلان ادعای شکست‌ناپذیریش به اثبات می‌رسد، بدون شک در برابر نیروی متحد و یکدست مردم نیز به همان شیوه ضعیف بوده و در حقیقت مترسکی پوشالی بیش نیست. بنابراین جای بسی امید است که مردم ایران نیز که ضعف، ترس و درماندگی این رژیم را به چشم خویش نظاره کردند، قاطعانه‌تر از قبل در راستای تأمین حقوق پامال شده‌ی خویش یکدست و متحد علیه رژیم به پاخیزند و برای همیشه خود را از چنگال جمهوری اسلامی رها سازند.

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی

۱۳۹۲/۹/۶ خورشیدی

۲۰۱۳/۱۱/۲۷ میلادی

حضور هیأت نمایندگی حدکا در کنفرانس آینده‌ی

کردستان سوریه در بلژیک



اخبار و رویدادهای مربوط به سوریه و سیاست کشور ترکیه در قبال ملت کرد و ملیت‌های دیگر این کشور، موضوعات مهمی بودند که از سوی "لودو دبرا باندر" محقق و عضو "مرکز آشتی بلژیک"، "رودوی فرانک" روزنامه‌نگار بلژیکی، "دوغان اوزغودن" روزنامه‌نگار ارمنی‌الاصل، مورد بحث قرار گرفتند.

هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در حاشیه‌ی این کنفرانس با "سناتور وان لوه" عضو حزب جدید فلامانی بلژیک و تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و حزبی دیدار و گفتگو کرد.

"حزب جدید فلامانی بلژیک"، بزرگترین حزب جدید اقلیم فلاندرن بلژیک می‌باشد و ۲۷ کرسی از کرسی‌های پارلمان این کشور را به خود اختصاص داده است.

در کنفرانس "آینده‌ی کردستان سوریه"، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران به صورت رسمی دعوت شده و در حاشیه‌ی این کنفرانس، با تعدادی از شخصیت‌های سیاسی دیدار کرد.

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، این کنفرانس تحت عنوان "آینده‌ی کردستان سوریه" از سوی "انستیتو کرد" در بروکسل و با حضور هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "جمیل فتحی" نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور بلژیک و شماری از شخصیت‌های سیاسی، روز جمعه یکم آذرماه ۱۳۹۲، در یکی از سالن‌های مجلس سنا در بلژیک برگزار شد.

نقش کشورهای جهان و خاورمیانه در بحران سوریه، تأثیر رسانه‌ها در پوشش

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران



شرکت هیأت حدکا در دوره‌ی آموزشی ژنواکال در سلیمانیه

فاتح صالحی، عضو علی‌البدل کمیته‌ی مرکزی و نماینده‌ی حزب دمکرات در بخش حمایت از کودکان در زمان درگیری، ژنواکال و فاطمه عثمانی، نماینده‌ی حدکا در بخش جلوگیری از خشونت جنسی علیه زنان در زمان جنگ که در ژنو به امضای این جریان و احزاب سیاسی رسیده است، در چهارچوب یک کنفرانس علمی برگزار می‌شود. نمایندگان ژنواکال و همچنین نمایندگان احزاب و جریان‌های سیاسی متعهد به این توافقنامه در رابطه با جزئیات توافقنامه بحث و گفتگو کرده و این کارگاه آموزشی تا روز چهارشنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۹۲، ادامه خواهد داشت. رستم جهانگیری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات،

کنفرانس و دوره‌ای آموزشی مختص به نظارت و اجرای پیمان‌نامه و تهدات برای سازمان، جریان و احزاب سیاسی کرد ایران از سوی سازمان ژنواکال(فراخوان ژنو) در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان برگزار گردید. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، ۱۲ آذرماه ۱۳۹۲، در هتل "مم و زین" سلیمانیه، یک دوره‌ی آموزشی نظارت ژنواکال، با حضور نمایندگان و از سوی این سازمان، برای احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان ایران برگزار گردید. این کارگاه آموزشی با اهداف پرورش و اهمیت دادن به توانایی‌های گروه‌های حاضر

دیدار نماینده‌ی حدکا در بلژیک با سناتور اتحادیه‌ی جدید - فلامان



نمایندگی حدکا در بلژیک، با سناتور "کارل وان لاهه" در مجلس سنای این کشور دیدار کرد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، هشتم آذرماه ۱۳۹۲، "جمیل فتحی"، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در بلژیک، در مجلس سنای این کشور با "کارل وان لاهه"، سناتور اتحادیه‌ی جدید - فلامان دیدار کرد.

تاریخچه‌ی مبارزات ملت کرد و به‌ویژه حزب دمکرات، ریاست جمهوری جدید ایران و تغییرات سطحی و عوامفریبانه و موضع حزب دمکرات کردستان ایران در قبال این تغییرات، از موضوعات مورد بحث در این دیدار بودند.

مذاکرات رژیم ایران با گروه ۵+۱ و تلاش‌های این رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی، تأثیرات مخرب تحریم‌های بین‌المللی

و ناچار شدن ایران برای تفاهم با کشورهای غربی و البته به منظور وقت‌کشی و افزایش موارد نقض حقوق بشر در ایران، از دیگر مواردی بودند که در این دیدار در رابطه با آنان گفتگو شد.

دیدار نماینده‌ی حدکا در دانمارک

با مسئول امور خاورمیانه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور



"سعید سلطان‌پور" نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور دانمارک، با مسئول امور خاورمیانه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور دیدار کرد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، در دیدار نماینده‌ی حزب دمکرات در دانمارک و مسئول امور خاورمیانه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور که در سیام آبان‌ماه ۱۳۹۲ در این وزارتخانه برگزار شد، مسائل مختلف مربوط به ملت کرد مطرح گردیدند.

آخرین تغییر و تحولات منطقه‌ی خاورمیانه، مذاکرات رژیم ایران و گروه ۱+۵ در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای این رژیم، ادامه‌ی فشارها بر رژیم ایران از طریق تحریم‌ها و وضعیت نامناسب حقوق بشر و اعدام جوانان کرد در ایران، از مباحث اصلی مورد گفتگو در این دیدار بودند.

گزارش دو سازمان حقوق بشری

در رابطه با مین‌های کاشته شده در ایران و به‌ویژه استان‌های کردستان ایران



انجمن حقوق بشر کردستان ایران در ژنو و مرکز حامیان حقوق بشر، گزارشی در رابطه با مین‌های زمینی تهیه و به کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون ضد مین "اتاوا" که دوم تا پنجم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۱ تا ۱۴ آذرماه ۱۳۹۲) در سازمان ملل متحد در ژنو برگزار می‌شود، گزارشی مشترک تهیه و ارائه کردند.

در این گزارش مشترک، ابعاد خسارات جانی، مالی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند و همچنین در ادامه‌ی این گزارش از رژیم ایران درخواست شده است

که به کنوانسیون ضد مین بپیوندد. کمک مالی و فراهم نمودن تجهیزات پزشکی برای قربانیان مین‌های زمینی، از دیگر خواسته‌های این دو نهاد حقوق بشری در گزارش خود می‌باشد.

دیدار نماینده‌ی حدکا و مسئول فدراسیون

جمعیت‌های کرد و کردستانی

مردم کرد در ایران، بازداشت و سرکوب فعالین سیاسی، تحرکات و اقدامات نیروهای نظامی رژیم در کردستان ایران، توافقنامه‌ی ژنو، نقض حقوق بشر در ایران و روند صلح در ترکیه از جمله موضوعاتی بودند که مورد بحث قرار گرفتند. در همین ارتباط، روز دوشنبه ۱۱ آذرماه ۱۳۹۲، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران با نماینده‌ی روابط کشور سوئد در وزارت خارجه‌ی این کشور دیدار کرد.

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران با مسئول فدراسیون جمعیت‌های کرد و کردستانی و نماینده‌ی روابط کشور سوئد دیدار کرد. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، "حمید تیموری" نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور سوئد و "شرمین یزارسلان" مسئول فدراسیون جمعیت‌های کرد و کردستانی در کشور سوئد در رابطه با وضعیت کنونی کردستان ایران بحث و گفتگو کردند. مشکلات پیش‌روی



موج بازداشت شهروندان کرد همچنان ادامه دارد

نیروهای اطلاعاتی رژیم ایران بازداشت شده و تاکنون از سرنوشت وی هیچ اطلاعی در دست نیست. همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی مکتب قرآن کردستان اعلام نمود، "هاشم حسین پناهی" مسئول دفتر مفتی و مدرس مدرسه‌ی امام یخاری شهر سنندج، روز سه‌شنبه دوازدهم آذرماه ۱۳۹۲، پس از احضار به دادگاه ویژه‌ی مدرسان مذهبی تهران به اتهام بی‌حرمتی به مذهب تشیع بازداشت شده و به بند ۳۲۵ زندان اوین منتقل گردیده است. این فعال مذهبی به اتهام فعالیت تبلیغی برای مذهب تسنن، توسط ادارای اطلاعات بازداشت و در دادگاه ویژه‌ی مدرسان مذهبی تهران، به ۳۰ ضربه شلاق و شش ماه زندان تعزیری محکوم گردید.

با استناد به آمار وب‌سایت کوردستان میدیا، از آغاز آبان‌ماه تاکنون ۲۴ شهروند توسط نیروهای رژیم ایران بازداشت شده‌اند.

برگزاری شب شعر کردی در دانشگاه بهشتی تهران

تهران برگزار کردند. در این شب شعر که شعراء اساتید دانشگاه و دانشجویان غیرکرد نیز حضور چشمگیری داشتند، اشعاری به زبان کردی قرائت گردیدند. در چند سال گذشته، انجمن‌ها و فعالان دانشجویی کرد در برگزاری مراسمات و انجام فعالیت‌ها ادبی، فرهنگی و پژوهشی با محدودیت‌های فراوانی مواجه بوده‌اند.

پس از ۳ ماه از بازداشت دو شهروند سردهشتی، همچنان از سرنوشت آنان هیچ اطلاعی در دست نیست. در ادامه‌ی موج بازداشت‌ها نیز یک روحانی کرد، پس از بازداشت به زندان منتقل گردید. به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، دو شهروند کرد اهل سردهشت به نام‌های "امید بیگزاده و ناصر کریمی" در طول سی ماه گذشته، توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران در بازداشت به سر برده و علیرغم پیگیری خانواده‌ی آن‌ها، هیچ اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نمی‌باشد.

نیروهای رژیم ایران، این دو شهروند را به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون رژیم بازداشت.

در همین ارتباط، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی اعلام کرد، "فرزاد حاجی میرزایی" فرزند عبدالله، شهروند کرد ۳۰ ساله‌ی اهل روستای "باباریز" از توابع شهرستان سنندج، دو هفته پیش توسط

دانشجویان کرد "دانشگاه تهران" و "دانشگاه بهشتی" تهران، شب شعر به زبان کردی برگزار کردند. به گزارش وب‌سایت "خویندکار"، وب‌سایت اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران، روز دوشنبه یازدهم آذرماه، جمعی از دانشجویان کرد "دانشگاه بهشتی" تهران با همکاری دانشجویان کرد "دانشگاه تهران" شب شعر را در دانشگاه بهشتی

مصطفی هجری در گفتگو با Tishk TV:

در نهایت، جمهوری اسلامی بدین نتیجه خواهد رسید که تسلیم غرب شود



که از مسأله‌ی کرد سخن بگوید اما اکنون اوضاع به گونه‌ای است که در آنکارا کارشناسان امور بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان گرد هم می‌آیند تا درباره‌ی حل مسأله‌ی ملت کرد در منطقه بحث و گفتگو نمایند، بسیار مهم است و بیانگر آن است که این دولت، دولتی سیاسی است و به جلو گام بر می‌دارد، به سوی حل مشکلات خویش، علاوه بر این، خواهان پیشقدم شدن در حل مسأله‌ی کرد در منطقه می‌باشد.

طبیعی است که ما در اینگونه مجامع و محافل شرکت کرده و از آن استقبال می‌کنیم. زیرا معتقدیم که در هر کشوری و علی‌الخصوص در کشورهای که کردستان میان آنها تقسیم شده است، اگر فضای گفتگو و فضای دیپلماتیک و دموکراتیک مهیا باشد، ما به عنوان ملت کرد باید در آن شرکت نمائیم و از این طریق، در پیشبرد اهداف و فعالیت‌هایمان تلاش نمائیم. علاوه بر این، ما به عنوان کردستان ایران به حکم داشتن مرزهای طولانی با ترکیه و اینکه بخش عظیمی از ملت کرد در عبارت دیگر، بزرگترین بخش ملت کرد در ترکیه ساکن هستند و بنابر همین واقعیت و نیز بر اساس وضعیت سیاسی، ضروری است که این روابط را مستحکمتر نموده و بتوانیم روابط مناسب و مطلوبی هم با دولت ترکیه به منظور بحث و گفتگو درباره‌ی برنامه‌هایمان با آن‌ها و هم با ملت کرد در ترکیه که هم‌مهن و هم زبان ما هستند، داشته باشیم.

Tishk.tv: در همین رابطه که فرمودید مردم کرد کردستان ترکیه هم‌مهن و هم زبان ما هستند، مایل‌م پرسشی را مطرح نمایم و آن اینکه سفر آقای مسعود بارزانی به دیاربکر در هفته‌ی گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و چه تحولی در این زمینه می‌بینید؟

مصطفی هجری: در واقع این نیز به نوبه‌ی خود یکی دیگر از نشانه‌های گشایش فضای سیاسی در ترکیه نسبت به مشکلی است که ده‌ها سال است با آن روبرو بوده که آن هم مسأله‌ی کرد می‌باشد. اگر به یاد داشته باشیم، در سال‌های آغازین تأسیس حکومت اقلیم کردستان، مدت‌ها دولت ترکیه حاضر نبود که حکومت اقلیم کردستان را به عنوان یک حکومت به رسمیت بشناسد و حتی حاضر نبود که آقای بارزانی را به عنوان رئیس اقلیم کردستان به رسمیت بشناسد، بلکه به عنوان یک رئیس عشیره از ایشان نام می‌برد. اما تحولات و پیشرفت‌های سیاسی باعث شده‌اند که دولت ترکیه به این حقیقت پی برده و در این ارتباط نیز گام‌هایی بردارد. سفر آقای مسعود بارزانی به ترکیه از یک سو یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند حکومت اقلیم کردستان بوده و از سوی دیگر، اقدامی بود که دولت ترکیه برای این سفر انجام داد. در

آیا ما حاضر به گفتگو هستیم یا نه؟ آنچه که من در پاسخ به این سؤال گفته‌ام، این است که ما به عنوان یک اصل کلی در حزب دمکرات، هر زمان که جمهوری اسلامی ایران حاضر باشد، در رابطه با حقوق ملت کرد، با میانجیگری دولت ثالث حاضر به گفتگو خواهیم بود. این بدان معنا نیست که گفتگوی در جریان است یا جمهوری اسلامی در رابطه با این مسأله چراغ سبزی نشان داده است، بلکه فقط پاسخ به سؤال خبرنگاری بود که در این رابطه پرسیده بود.

Tishk.tv: در چند ماه اخیر، تحکرات دیپلماتیک جدیدی را آغاز نموده‌اید که در آن دولت ترکیه را در کانون توجه خود قرار داده‌اید. تا آنجا که اطلاع دارم در مراسم سالروز تأسیس کشور ترکیه و از آن مهم‌تر در نشست‌ی شرکت داشتید که در ادامه، درباره‌ی آن پرسشی را مطرح خواهم ساخت، در ارتباط با حقوق ملت کرد در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان و درباره‌ی این دیپلماسی توضیح بفرمایید که چگونه چنین حرکتی را آغاز نموده‌اید؟

مصطفی هجری: ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران، همیشه بر این باور بوده‌ایم که با کشورهای تأثیرگذار و مهم جهان و به‌ویژه منطقه، ارتباط سالم سیاسی بر اساس احترام متقابل برقرار نمائیم. اینکه ما در این رابطه، با ترکیه در تلاش بوده‌ایم، همان است که از آن سخن گفتید که ما در سالگرد تأسیس دولت ترکیه، با توجه به اینکه دعوت شده بودیم، شرکت کردیم و در واقع دعوت از سوی یک مؤسسه‌ی تحقیقاتی و پژوهشی درباره‌ی مسأله‌ی کرد و نه یک مؤسسه‌ی حکومتی، صورت گرفته بود و نمایندگان ما در آن شرکت کردند و سخنرانی نمودند و برنامه و خواسته‌های حزب دمکرات کردستان ایران را مطرح کردند.

Tishk.tv: درباره‌ی این کنگره می‌خواهم بیشتر صحبت کنیم و آن اینکه، نخستین بار است که در آنکارا علیرغم فشار و سختگیری‌هایی که از جانب دولت ترکیه شاهد بوده‌ایم، اکنون نوعی گشایش فضای سیاسی احساس می‌شود. در آنکارا دولت ترکیه (اگر اشتباه نکرده باشم) کنگره‌ای را برگزار می‌نماید و رهبران احزاب یا حداقل نمایندگان احزاب سیاسی هر چهار بخش کردستان در آن، از دستیابی به حقوق خود سخن به میان می‌آورند و از شیوه‌ها و مکانیزم‌های تحقق آن حقوق صحبت می‌کنند، آنگونه که فرمودید شما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران در این کنگره نماینده داشتید، موضوعات و مباحث این کنگره و نتایج و دستاوردهای آن چه بودند؟

مصطفی هجری: اینکه در ترکیه، کلمه‌ی «کرد» ممنوع بود و کسی جرأت نداشت

سیاست داخلی و خارجی کشور تصمیم می‌گیرد. وی اصولاً بایستی به این نتیجه رسیده باشد که بیش از این توان مقاومت ندارند و وضعیت آنان از لحاظ اقتصادی به نقطه‌ای رسیده است که مدیریت آن از عهده‌ی آنان خارج است، به همین دلیل ولی فقیه چنین تصمیمی گرفته است تا به جامعه‌ی بین‌المللی عرضه نشود. به باور من، خامنه‌ای به این نتیجه رسیده است که بایستی به غرب امتیاز دهد و در برابر خواسته‌های آنان تسلیم شود. در نتیجه، نشست‌هایی در ژنو برگزار شد که سرآغاز آن، نشست نیویورک بود، اکنون که آخرین نشست آنان در ژنو در حال برگزاری است، تمامی تلاش آنان در راستای دستیابی به توافق است. با اینکه تصور می‌کنم هنوز زود است، اما در نهایت، جمهوری اسلامی بدین نتیجه خواهد رسید که تسلیم غرب شود تا خطر فروپاشی اقتصادی را از خود دور کند. به نظر من نتیجه این خواهد بود که غرب در قبال امتیازات فراوانی که می‌گیرد، اندک امتیازی نیز به جمهوری اسلامی خواهد داد و رژیم در برابر خواسته‌های غرب در رابطه با مسأله‌ی غنی‌سازی اورانیوم تسلیم خواهد شد.

Tishk.tv: شما اخیراً طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری آنادول ترکیه گفته بودید که ما آماده‌ایم تا برای تأمین حقوق ملت کرد با جمهوری اسلامی مذاکره کنیم، اما شروطی را مطرح نموده‌اید. این بحث از کجا مطرح شد، آیا هیچ اشاره‌ای به پیامی دریافت کرده‌اید و یا هیچ مذاکره‌ای میان شما و جمهوری اسلامی طی این مدت در جریان بوده است؟

مصطفی هجری: پیشاپیش مایل‌م این را توضیح بدهم که هیچ مذاکره‌ای در میان نیست و هیچ چراغ سبزی از جانب جمهوری اسلامی به ما نشان داده نشده است که حاکی از آمادگی آنان برای مذاکره باشد. به باور ما جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی وارد چنین فرایندی نخواهد شد، زیرا پیش از هر چیز، اعتقادی به حقوقی که ما خواهان آن هستیم، ندارد و از سوی دیگر، فضای امنیتی بسیار سنگین‌تر از آن است که در حال حاضر در رژیم جمهوری اسلامی ایران از حقوق ملی بحث به میان آید. در شرایطی که با کوچکترین بهانه‌ای فعالان سیاسی بویژه فعالان کرد را زندانی نموده، احکام حبس درازمدت و اعدام را علیه آنان صادر می‌کنند، با سایر ملیت‌ها نیز بدان‌گونه رفتار می‌کنند و یا در شرایطی که در جمهوری اسلامی ایران هنوز این مسأله که روسری زنان بایستی چه مقدار از موی سر آنان را بپوشاند، مطرح است، در چنین فضایی اصولاً انتظار مذاکره و گفتگو، انتظاری بیهوده خواهد بود، لیکن ما به عنوان فردی سیاسی، هنگامی که در برابر این سؤال روزنامه‌نگاران قرار می‌گیریم که

تمامی شعارها و وعده‌هایش مبنی بر فتح قدس از طریق کربلا نقش بر آب شد، این در جای خود، یک تجربه بود. اکنون نیز بخشی از مقاله‌ای که بدان اشاره کردید، بر این مبناست که جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت خویش نیازمند گشایشی در عرصه‌ی روابط خارجی است. تحریم‌هایی که در رابطه با غنی‌سازی اورانیوم علیه رژیم ایران وضع شده و فرایندی که آغاز شده است، همچنان ادامه دارد و تحریم‌ها به جایی رسیده‌اند که جمهوری اسلامی احساس خطر می‌کند و نگران است که اگر وضع به همین منوال پیش برود، توان اداری کشور را از دست خواهد داد. بنابراین بایستی حکومتش را حفظ نماید و حفظ حکومت برخلاف شعارهای خامنه‌ای، در واقع مستلزم سازشی ذلت‌بار با غرب است تا حلقه‌ی تحریم‌ها را تا حدودی سست نمایند تا رژیم بتواند به درآمد ناشی از نفت صادراتی‌اش دسترسی یابد.

بنابراین، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران در ازای بقای حکومتش، امتیازاتی به غرب بدهد. اما جنبه‌ی دیگر که سازش و کنار آمدن با مردم ایران است، دقیقاً برخلاف هدف جمهوری اسلامی است. بدین معنا که مردم ایران از آنجا که جمهوری اسلامی را شناخته و نسبت به آن ناراضی و معترض هستند، هرگاه که فضای مناسبی فراهم شده و بهانه‌ای به دست آورده باشند، علیه رژیم به خیابان‌ها ریخته و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را سر داده‌اند. به همین دلیل، هرگونه عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در رابطه با مسأله‌ی دموکراسی و آزادی و به‌ویژه حقوق ملیت‌های ایران، از جمله ملت کرد، از نظر جمهوری اسلامی سبب سرنگونی و نابودی‌اش خواهد شد. به همین دلیل، گفتیم که هم‌زمان با گشایش در روابط خارجی، در داخل کشور اوضاع خشونت‌بارتر شده و آثار آن را متأسفانه شاهد هستیم.

Tishk TV: دلیل وضع امنیتی وخیم در کردستان چیست و چرا رژیم در سراسر ایران، به‌ویژه کردستان چنین فضایی را ایجاد نموده است؟

مصطفی هجری: دلیل آن اساساً بر می‌گردد به هراس و وحشت از مردم ایران، زیرا خود آنان نیز علیرغم ادعاهایشان، به خوبی می‌دانند که مردم ایران با جمهوری اسلامی نیستند. شکاف بسیار عمیقی میان مردم ایران و رژیم جمهوری اسلامی ایجاد شده که روز به روز نیز عمیق‌تر می‌شود. به همین دلیل، مردم در هر اندک فرصت که به دست می‌آورند، در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران تلاش می‌کنند و در این رابطه نقش ملیت‌های ایران که تمامی مرزهای ایران را در بر گرفته‌اند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. جمهوری اسلامی از ایجاد چنین شرایطی در ایران وحشت دارد، به همین دلیل، از برگزاری هر تجمعی و مطرح شدن هرگونه خواست آزادی‌خواهانه‌ای ممانعت به عمل می‌آورد، احکام حبس طولانی مدت صادر می‌کند و برای ایجاد رعب در میان مردم، موج اعدام‌ها را به راه می‌اندازد، بلوچ‌ها، عرب‌ها و بویژه اخیراً فعالان سیاسی کرد را اعدام می‌نماید تا مردم را دچار ترس و وحشت نماید.

Tishk.tv: موضع شما درباره‌ی جمهوری اسلامی و سیاست خارجی آن در برابر جهانیان و بویژه غربی‌ها چیست؟ نتایج سفر روحانی به نیویورک، مکالمه‌ی تلفنی وی با اوباما، دیدار ظریف با جان کری و به طور کلی مذاکرات ۱+۵، چه خواهد بود؟

مصطفی هجری: همانگونه که عرض کردم، ولی فقیه تنها کسی است که درباره‌ی

آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در گفتگویی با تلویزیون تیشک نظرات و دیدگاه‌های حزب دمکرات در رابطه با مسائل و تحولات جاری در کردستان، ایران و منطقه را بیان نمود. متن کامل برگردان فارسی سخنان ایشان در زیر از نظر خوانندگان گرامی کوردستان می‌گذرد.

Tishk TV: یکصد روز از روی کار آمدن حسن روحانی در ایران می‌گذرد. شما در حزب دمکرات کردستان ایران، پیش از برگزاری انتخابات با صدور بیانیه‌ای انتخابات را تحریم و پیش‌بینی نمودید که با وجود امیدواری مردم پس از روی کار آمدن روحانی، وضعیت ایران وخیم‌تر خواهد شد. مبنای این پیش‌بینی چه بود و آیا واقعاً اینک تصور می‌کنید که وضعیت ایران بدتر شده است؟

مصطفی هجری: مبنای بیانیه‌ی دفتر سیاسی در رابطه با تحریم انتخابات ریاست جمهوری ایران، تجربه‌ای بود که ما به عنوان ملت کرد به طور اخص و مردم ایران به طور اعم، طی سی‌و اندی سال سیری شده از زمامداری جمهوری اسلامی ایران اندوخته بودیم. علاوه بر این، باید به مسأله‌ی ایدئولوژی جمهوری اسلامی اشاره کرد که مغایر با دموکراسی، آزادی و مطالبات ملیت‌های ایران به‌ویژه ملت کرد است. این تجربه بارها در انتخابات تکرار شده است که وعده‌هایی به مردم می‌دهند تا توجه آنان را جلب نموده و به پای صندوق‌های رأی بکشانند. اما همان‌گونه که عرض کردم، ایدئولوژی و سیاست کلی جمهوری اسلامی اجازه‌ی گشایش فضا را نمی‌دهد.

در چهارچوب چنین تحلیلی بود که انتخابات را تحریم نمودیم و اکنون در آستانه‌ی یکصدمین روز زمامداری رئیس جمهور جدید، مشاهده می‌کنیم که علیرغم شعارهای روحانی و وعده‌هایی که به مردم ایران و به‌ویژه ملت کرد و سایر ملیت‌ها در رابطه با گشایش فضای سیاسی در ایران و آزادی زندانیان سیاسی و ... داده بود، متأسفانه وی نیز همانند سایر رؤسای جمهوری رژیم و در برخی زمینه‌ها حتی خشونت‌بارتر از آنان عمل نموده است.

Tishk TV: اخیراً موجی از اعدام‌ها ایران را فرا گرفت. شما پیشتر طی مقاله‌ای در رابطه با اینکه آیا جمهوری ایران به سوی تغییر حرکت خواهد کرد یا نه، پیش‌بینی کرده بودید که وضعیت بدتر خواهد شد و جمهوری اسلامی با دادن برخی امتیازات، سرکوب را در داخل شدیدتر خواهد نمود. این قضاوت شما بر چه مبنایی استوار بود؟

مصطفی هجری: مطلبی که در آن مقاله بدان اشاره کرده بودم، بر مبنای این قضاوت و پیش‌بینی بود که تمامی تلاش جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون در جهت حفظ و بقای رژیم بوده است. اگر از اسلام، دموکراسی و حقوق تهیدستان دم می‌زند، اینها همگی دروغ‌هایی بیش نیست که به منظور بقای حکومت خویش بدان متوسل می‌گردد. ما این را نه تنها در ایدئولوژی رژیم، بلکه در عمل نیز مشاهده نموده‌ایم. به خاطر بیابورید که در جنگ ۸ ساله‌ی ایران و عراق، بعد از قربانی نمودن بسیاری از مردم ایران و بجای گذاشتن تلفات جانی و خسارات مادی بسیار سنگین، زمانی که رفسنجانی و برخی از فرماندهان بلندپایه‌ی نظامی در دیدار با خمینی، به وی تفهیم نمودند که اگر به جنگ ادامه دهند، رژیم فرو خواهد پاشید و شکست خواهد خورد، خمینی به قول خودشان، جام زهر را سرکشید و قطعنامه‌ی سازمان ملل را پذیرفت و اعلام آتش‌بس نمود و

روزنامه

آغاز خوب و نتیجه ناتمام

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "اکنومیست" مقاله‌های تحت عنوان "آغاز خوب و نتیجه ناتمام" درباره توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ منتشر کرده است. این مقاله که به قلم هیأت تحریریه "اکنومیست" نگاشته شده، به طور مفصل به تلاشهای کشورهای ۵+۱ در گذشته جهت جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در راستای ساخت بمب هسته‌ای پرداخته و در این مورد مجموعه آمار و ارقامی را ارائه و تحلیل می‌کند. سپس قرارداد ۲۴ نوامبر به تفصیل تشریح شده و به نقاط ضعفی از قرارداد اشاره شده که جمهوری اسلامی خواهد توانست به موجب آنها جامعه جهانی را دور بزند و نیز به منافع ایران از کاهش تحریم‌ها علیه‌اش اشاره شده است. در اینجا به دلیل عدم امکان ترجمه همه سطور مقاله، تنها به ترجمه چند جمله از مقاله که حاوی نتیجه‌گیری می‌باشند، اکتفا می‌کنیم: "دشوار است که برنامه وسیع و در حال پیشرفت غنی‌سازی ایران را به طور کلی در راستای اهداف صلح آمیز دانست، آن کشور رکورد فریبکاری را شکسته است و زمانی که موضوع بازرسی مطرح شود، اعتماد به این کشور دشوار است. با این وجود، قرارداد به طور تلویحی قبول کرده که ایران در بازی غنی‌سازی ماندگار خواهد بود."

"رسیدن به قراردادی درازمدت که کلیه موارد لازم را تأمین کند، آسان نخواهد بود. مذاکره‌کنندگان ایرانی احتمالاً جهت موضعگیری سخت‌تر، تحت فشار گروههای تندرو داخل باشند. آقای روحانی به برخورداری از حمایت رهبری که در همه مسائل حکومتی حکم آخر را صادر می‌کند، ادامه می‌دهد."

چند مورد مهم از قرارداد ۲۴ نوامبر که در مقاله به آنها اشاره شده است:

- همه اورانیوم‌هایی که بیش از ۵ درصد غنی شده‌اند، تا زیر ۵ درصد رقیق خواهند شد یا به اکسید تبدیل خواهند شد.
- عدم افزایش غلظت ذخیره‌های ۵/۳ درصد غنی شده
- هیچ سانتریفیوژ جدیدی نصب نخواهد شد
- ۵۰ درصد سانتریفیوژهای نطنز و ۷۵ درصد فردو از کار انداخته خواهند شد
- کار در راستای هدف توقف رآکتور اراک
- دسترسی روزانه به امکانات غنی‌سازی در نطنز و فردو
- کنترل ۲۴ ساعته‌ی سایت‌های اصلی با دوربین
- دسترسی به کارخانه سانتریفیوژ و سایت‌های مشابه
- کمیسیون مربوطه جهت پاسخگویی به سوالات، پاسخ نگرانی‌های مربوط به احتمال وجود بعد نظامی برنامه‌ها را خواهد داد"

منبع:

www.economist.com

اخیر حزب، بنابر تصمیمی که در کنگره اتخاذ شده، مناسباتمان را با این رفقایمان در اکثر موارد جانی تازه بخشیده‌ایم و درباره‌ی مسائل مربوط به ایران و کردستان با هم گفتگو کرده و مشورت می‌نمائیم و این روال را ادامه می‌دهیم، اما طبیعی است که این امر پایان این مسأله نیست و تصمیم بر اینست که در نهایت، عادی شدن روابط به اتحاد مجدد منجر شود. ما قبل از طرحی که آقای عزیزی از آن سخن گفته است، طرحی را به آن‌ها پیشنهاد و ارائه داده‌ایم که این طرح در زمانی تصویب شده که همه‌ی ما برای اتحاد مجدد پس از انشعابی که پیشتر نیز انجام داده بودند، بر سر آن توافق کرده‌ایم. ما این طرح را ارائه داده‌ایم تا درباره‌ی آن به بحث و گفتگو بپردازیم و در چهارچوب آن بتوانیم راه حلی برای اتحاد مجدد بیابیم. اما متأسفانه آن‌ها نه تنها به این طرح پاسخی نداده‌اند و حاضر به بحث و گفتگو درباره‌ی آن نشده‌اند، بلکه آن را نپذیرفته و رد کرده‌اند و طرح دیگری را از جانب خود ارائه داده‌اند. این طرح به دست ما رسیده است، اما میان این دو طرح تفاوت زیادی وجود دارد. طبیعتاً ما باید طرح پیشنهادی آن‌ها را مطالعه کرده و در کمیته‌ی مرکزی در زمان مناسب مورد بحث و بررسی قرار گیرد، اما از نظر ما مهم است که رفقایمان به طرح پیشنهادی ما پاسخ داده و اگر قسمت یا قسمت‌هایی از آن نیاز به گفتگو و تبادل نظر دارد، به ما اطلاع دهند و در صورت لزوم می‌بایستی در آن تغییراتی اعمال نمود. طبیعتاً این نکات باید مورد بحث و گفتگو قرار گیرند، اما اینکه این طرح از سوی آن‌ها رد شود و طرح دیگری به جای آن مطرح شود، قدری از لحاظ سیاسی دقت بیشتری را می‌طلبد. اما به هر حال ما خواستار تداوم این فرایند هستیم.

Tishk.tv: آقای هجری، آخرین پرسش‌م در راستای آگاهی بیشتر بینندگان است که بحث بسیار حساس و مهمی می‌باشد و جامعه‌ی کردستان ایران بسیار دقیق آن را پیگیری می‌کند. آقای خالد عزیزی در گفتگویی اظهار داشته که طرحی را در رابطه با اتحاد دوباره به دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران ارائه داده‌اند، مایلیم در این باره و به منظور آگاه نمودن هرچه بیشتر افکار عمومی کردستان بیشتر توضیح بفرمائید؟

مصطفی هجری: بله، در حقیقت در مدت یک سال پیش یا بهتر بگوئیم قبل از کنگره‌ی

ساختند که کشتار دسته‌جمعی توسط گروه النصره و دیگر گروه‌های رادیکال صورت گرفته است، اما مشخص شد که اینگونه نبوده است. بنابراین، اینجانب به نوبه‌ی خود این موضوع را صحیح می‌دانم که ملت کرد در آنجا بتواند هر نوع حکومتی را که لازم و مناسب می‌دانند، تأسیس نمایند. اکنون فرصت مناسبی است و امیدواریم که با اتحاد همه‌جانبه این امر میسر گردد و گروه یا جریانی به تنهایی درصدد نباشد که به سود خویش و در جهت منافع خویش که به نظر من حداقل در درازمدت منفعتی را که می‌پندارند به دست آورند، با انجام اینگونه رفتارها به دست نخواهند آورد، این فرصت مناسب به دست آمده را در آنجا هدر دهد.

در این رابطه، اینجانب هم با نظرات و دیدگاه‌های آقای مسعود بارزانی که درباره‌ی مسأله‌ی کردستان سوریه مطرح ساخته است و هم با کمک‌های انسانی که تاکنون به عنوان کردهای کردستان عراق و یا به عنوان حکومت اقلیم کردستان انجام داده‌اند و همچنان نیز ادامه دارند، موافقم و نیز تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که صورت گرفته است تا کردهای کردستان سوریه به صورت یکدست و متحد بتوانند تصمیم بگیرند نه اینکه یک گروه یا جریان به تنهایی تصمیم بگیرد و تصمیمات خود را بر دیگران نیز تحمیل نماید.

Tishk.tv: آقای هجری، آخرین پرسش‌م در راستای آگاهی بیشتر بینندگان است که بحث بسیار حساس و مهمی می‌باشد و جامعه‌ی کردستان ایران بسیار دقیق آن را پیگیری می‌کند. آقای خالد عزیزی در گفتگویی اظهار داشته که طرحی را در رابطه با اتحاد دوباره به دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران ارائه داده‌اند، مایلیم در این باره و به منظور آگاه نمودن هرچه بیشتر افکار عمومی کردستان بیشتر توضیح بفرمائید؟

مصطفی هجری: بله، در حقیقت در مدت یک سال پیش یا بهتر بگوئیم قبل از کنگره‌ی

به حاشیه‌هایی که در این رابطه وجود دارد، شما اصولاً تأسیس این حکومت موقت در کردستان تحت حاکمیت سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مصطفی هجری: این واقعیتی که امروز در کردستان سوریه در جریان است، واقعیتی است که اگر در ماه‌های نخست اندکی مهم و برای مردم نامشخص بود، اکنون دیگر به طور کلی معلوم شده است، بدین معنا که حکومت سوریه در واقع با اینکه نیروهایش هنوز در کردستان سوریه وجود دارد، اما در آن فعالیت ندارند و حاکمیت آنجا را به نیرویی کردی واگذار نموده‌اند که در آنجا حاکمیت خود را اعمال نموده است. وجود هر نوع حکومت و قدرت محلی برای ملت کرد در کردستان سوریه همانند تمامی بخشهای دیگر دستاوردی بسیار بزرگ است و باید همگان از آن پشتیبانی کنند. اما به شرطی که این دستاورد برای ملت کرد باشد، نه حکومت یک جریان که با زور اسلحه آن را تحمیل کرده است.

ملت کرد برای دستیابی به آزادی و رهایی از جنگال ظالمان و دیکتاتوری و انحصار طلبی، بیشتر از صد سال است که مبارزه می‌نماید. این بدین معنا نیست که ملت کرد برای رهایی از انحصارطلبی ترک و فارس و عرب مبارزه می‌کند، اما انحصار طلبی کرد را می‌پذیرد، به ویژه که دوران اینگونه مسائل نیز گذشته است. به همین دلیل به نظر من، این حکومت محلی یا هر نام دیگری که بر آن بگذاریم، زمانی می‌توانیم بگوئیم حکومت کرد سوریه، که کردهای سوریه در آن سهیم باشند و بتوانند در کمال آزادی و داشتن حقوق یکسان، نظرات و دیدگاه‌های خود را بیان نمایند، اما متأسفانه آنچه که ما در کردستان سوریه می‌بینیم بر عکس است، بسیاری از افرادی که دگراندیشند، از سوی حکومتی که در آنجا تشکیل شده، تحت فشارند و آزادی فعالیت ندارند و تعداد زیادی از فعالین سازمان‌های کرد سوریه ترور شده‌اند، اینها شک برانگیزند. مدتی این شایعه را مطرح

این سفر تابوهای بسیاری شکسته شدند و قبل از هر چیز، مراسمی بود که در شهر "آمد" که یکی از مراکز کردستان می‌باشد، برگزار شد، علاوه بر آن، کلماتی را می‌توان خاطرنشان ساخت که در آنجا به کار برده شدند. به عنوان نمونه، در صحبت‌های آقای بارزانی تشویق و ترغیب ملت کرد و ترک به صلح و آشتی و اتمام خونریزی و کشته شدن فرزندان کرد و ترک و تأکید بر حل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی ملت کرد را می‌توان ذکر نمود. همچنین استقبالی که از آقای بارزانی صورت گرفت موضوع بسیار مهمی می‌باشد، از یک سو، بیانگر آن بود که ملت کرد در این بخش از کردستان، راه‌حل مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه را می‌پسندد و از ایشان استقبال می‌کند به دلیل اینکه پرچمدار صلح و آشتی و همزیستی دو ملت کرد و ترک در کنار یکدیگر در این کشور بوده و در این رابطه نیز تلاش می‌نماید. همچنین حکومت ترکیه و اردوغان نیز در رابطه با مسأله‌ی کرد سخنان تازه‌ای را بیان کردند، نام "کرد" را آشکارا به زبان آوردند و اعلام نمودند که دیگر از مسأله‌ی کرد به عنوان "مسأله‌ی ملت کرد" نام می‌برند و نه به مانند گذشته که با کلمات تحقیرآمیز از مسأله‌ی کرد سخن به میان می‌آوردند و از گشودن درب زندان‌ها سخن گفتند که این نیز نشان‌دهنده‌ی این است که این سفر به معنای آغاز پیشرفت‌های دیگر در منطقه می‌باشد. با توجه به موارد ذکر شده و از این منظر، به نظر اینجانب سفری بسیار موفقیت‌آمیز بوده و به سود ملت کرد و طبیعتاً در رابطه با توسعه‌ی روابط نزدیک و دوستانه میان حکومت اقلیم کردستان و ترکیه و هم‌مرز بودن آن‌ها می‌باشد.

Tishk.tv: اخیراً حکومت موقتی در کردستان تحت حاکمیت سوریه از طرف حزب اتحاد دمکراتیک اعلام شده و همه‌ی جناح‌ها نظر خود را ابراز داشته‌اند. بر سر این موضوع بخصوص رهبری اقلیم کردستان ابراز نظر کرده‌اند که سخنان ایشان بسیار پد تفسیر شده است، با توجه

یادی از شهیدان رهبری حزب دمکرات در آذرماه



کمال دباغی



منصور فتاحی



منصور ناصری



احمد جاویدی

هیوا میرزایی

دکتر قاسملو: ملتی که خواستار آزادی باشد باید بهای آن را بپردازد. بنیاد مبارزه و انقلابیگری حزب دمکرات کردستان ایران در ۲۵ مردادماه سال ۱۳۲۴ خورشیدی توسط قاضی‌محمد و یاران انقلابی‌اش نهاده شد و این حزب در طول مبارزات درخشان خود کارنامه‌ای لریز از حماسه و فداکاری برای خود و ملت کرد ثبت کرده است. یکی از وجوه تمایز این حزب از سایر احزاب منطقه، روحیه‌ی فداکاری یکایک اعضای این حزب در جریان مبارزاتش می‌باشد. به عبارت دیگر، چه در زمان جمهوری کردستان، چه در سال‌های ۴۶-۴۷ و چه بعد از بر سرکار آمدن جمهوری اسلامی ایران و مبارزه علنی و دفاع قهرمانانه این حزب از سرزمین و موجودیت ملتمان در کردستان ایران، اعضای این حزب بدون در نظر داشتن مقام و منصب حزبی به صورت متحد در برابر هجوم دشمنان ایستاده‌اند و در این راه بیش از ۴۰ عضو رهبری حزب دمکرات جان خود را فدای اهداف و خط‌مشی حزب و ملتشان نموده‌اند که قاضی‌محمد و قاسملو و شرف‌کنندی نمونه‌های درخشان این شهدا هستند.

آذرماه، در تقویم مردم کردستان دارای اهمیت خاصی است و آن نیز به دلیل گرامیداشت یاد کسانی است که با ازخودگذشتگی و ایمانی عمیق و اراده‌ای پولادین در میدان مبارزه حاضر شدند و بدون هیچ چشمداشتی و گرفتن هیچ پاداشی آمدند تا با ارزشترین سرمایه‌ی وجودی خود را که جانشان بود، فدای

رهایی سرزمینشان کنند. پیشمرگ بودن و مبارزه در حزب دمکرات کردستان ایران تنها متعلق به بدنه و کادرهای این حزب نبوده است، بلکه اعضای رهبری و رده‌های بالای حزب همواره در سنگرهای مقاومت حضور و فداکاری نموده‌اند که در اینجا به ۴ شهید عضو رهبری حزب اشاره می‌کنیم که در این ماه به شهادت رسیده‌اند ولی پس از شهادت نه تنها یاد و خاطره آنان از دل‌های مبارزین حزب فراموش نشده، بلکه خط‌مشی و راه پرافتخارشان همواره چراغ راه مبارزین حزب بوده و تا رسیدن به رهایی و آزادی هیچ‌گاه خاموش نمی‌گردد. شهید سروان احمد جاویدفر مشهور به کاک هژار، اهل مهاباد و فرمانده‌ی نیروی پیشوا و عضو کمیته‌ی مرکزی که پیشتر از افسران ارتش بود، همانند فرمانده‌ای توانمند در صفوف حزب مبارزه نمود و بعد از چندین بار زخمی شدن، در نبردی قهرمانانه در منطقه‌ی یانه در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۲۲ به شهادت رسید، باید خاطر نشان نمود که کاک هژار یکی از افسران انقلابی و سازماندندگان تحویل پادگان مهاباد به مردم در سال ۱۳۵۷ خورشیدی

بود. شهید کمال دباغی، اهل مهاباد و عضو کمیته مرکزی حزب و مسئول کمیته شهرستان کرماشان در یک مأموریت تشکیلاتی در شهر کرماشان دستگیر و بعد از شکنجه‌های زیاد در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۴ توسط دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام شد. مقاومت‌های او در زندان‌های رژیم باعث شد که لقب "سمبل مقاومت" را به او دهند. او پیشتر دبیر دبیرستان‌های کرماشان بود. شهید منصور فتاحی، اهل روستای "کرتاوا"، شهر میوان شخصیتی برجسته و خوشنام در صفوف حزب و منطقه‌ی شهر میوان و عضو سابق کمیته مرکزی و مسئول کمیته‌ی هورامان، در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۷ در یک توطئه‌ی ناجوانمردانه در نزدیکی شهر دوکان کردستان عراق توسط عوامل جمهوری اسلامی در کردستان عراق ترور شد. یکی از برادران ایشان نیز از شهدای حزب دمکرات می‌باشد.

در جریان همین رویداد ناگوار، شهید سید منصور ناصری، اهل روستای حسین‌آباد شهرستان سنندج، عضو علی‌البدل کمیته مرکزی و مسئول مقر حزب در شهر

سلیمانیه در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۷ در یک توطئه‌ی ناجوانمردانه در ورودی شهر کويسنچ کردستان عراق توسط عوامل جمهوری اسلامی در کردستان عراق ترور شد. به همراه این دو عضو رهبری حزب، سه تن دیگر از پیشمرگان و کادرهای برجسته‌ی حزب به اسامی رفعت حسینی، سامال اسماعیل‌زاده و یدالله شیرین‌سخن نیز به شهادت رسیدند.

این شهیدان نمونه‌هایی از ده‌ها شهید عضو رهبری حزب دمکرات کردستان ایران می‌باشند که قبل از شهادت به گونه‌ی خستگی‌ناپذیری برای تأمین حقوق ملت کرد کوشیدند و سخاوتمندانه از مقام و منصب قبلی خود گذشته و زندگی در کوهستان و مبارزه و تلاش را برگزیدند. زندگی‌ای را انتخاب کردند که لبریز از پستی و بلندی بود. آنان برای تأمین زندگی سزاوارانه و انسانی، مبارزه کردند. شهادت آنها این حقیقت را مجدداً به اثبات رساند که عضویت در رهبری در حزب دمکرات تنها برای خدمت بیشتر و فداکاری بیشتر است تا با نثار جان خود به رمز و سمبل مبارزه تبدیل شوند.



آن واضح می‌باشد و دیگری، روی آوردن به کشورهای دیگر و پذیرفتن نوستالژی و غم غربت و در برخی مواقع، مرگ در راه امرار معاش. بنابراین می‌توان گفت که مسئولیت اصلی در ایجاد چنین وضعیتی و به وقوع پیوستن مرگ ناشی از حوادث کار در اقلیم کردستان و دیگر کشورها، همان جمهوری اسلامی است که علیرغم وجود پتانسیل کار و بستر مناسب برای تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی، به دلیل عدم توجه به واقعیت‌های جامعه و مشغول شدن به مسائلی چون تولید بمب اتمی و دخالت در امور کشورهای دیگر، مسأله‌ی خدمت به کشور و مردم را به دست فراموشی سپرده است (هرچند در طول تاریخ خود، هیچگاه به این مسأله اهمیت نداده و در جهت آن نیز تلاشی صورت نداده است).

را به اوج خود رساندند. بدین دلیل در مدت زمان کوتاهی، نرخ بیکاری، قیمت اجناس و خدمات، میزان ورشکستگی تولیدکنندگان و نرخ تورم افزایش چشمگیری داشته و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و ارزش پول کشور به شدت کاهش یافت. به دلیل وجود چنین وضعیتی، مردم کردستان ایران و به ویژه قشر جوان که پیشتر به نحوی از انحاء در سایر مناطق ایران مشغول کار بوده و امرار معاش می‌نمودند، دیگر نمی‌توانستند معیشت خود و خانواده‌هایشان را تأمین کنند و با توجه به موج گرانی و بیکاری موجود، بیشترین زیان را متحمل شدند و به قشری ضعیف و فقیر بدل شدند. لذا به ناچار به دو شیوه‌ی کار کردن روی آوردند: نخست، کولبری و معامله و کاسبی در مرزها که خطرات جانی و مالی

مرگ در راه تأمین معیشت

به شمار می‌آید. اما واقعیت این است که سردمداران جمهوری اسلامی به عمد چنین وضعیت و فضای بسته و غیرآزادی را بر مردم کردستان تحمیل نموده‌اند. اینکه چرا ما شاهد کوچ اجباری جوانان ملیت‌های ایران به کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی و آمریکایی هستیم، چند دلیل عمده و اصلی دارد که مهمترین و اصلی‌ترین آنها، مسأله‌ی اقتصادی است. اکنون ایران به دلیل مدیریت ضعیف و ناکارآمد و وجود تحریم‌های بین‌المللی و به دلیل پیامدهای سیاست زیاده‌خواهی و زیاده‌روی رژیم، در یک برهه‌ی حساس اقتصادی و سیاسی قرار گرفته که می‌توانیم پیامدهای آن را در وضعیت وخیم اقتصادی موجود ایران مشاهده نماییم.

با توجه به دلایل ذکر شده، صدها کارگاه و کارخانه‌ی تولیدی و هزاران کشاورز دچار ورشکستگی شده و هزاران کارگر و پرسنل مجرب بیکار شده‌اند، بیکاری این افراد و ورشکستگی و بدهکاری کارخانه‌داران و صاحبان مشاغل پیامدی را به همراه داشت که همان فرار از وضعیت فوق‌الذکر می‌باشد. در چنین وضعیتی، مسئولین و برنامه‌ریزان حکومت به جای یافتن راه حل مناسب، خود دچار پدیده‌ی فساد اقتصادی و اداری شده و به همین دلیل قادر به توجه به این وضعیت نیستند. به همین دلیل تلاش نموده‌اند که با چاپ اسکناس جدید و وارد بازار نمودن آن و همزمان اخذ وام‌های کلان از بانک‌ها و صرف آن در چهارچوب طرح‌های ناموفق همچون مسکن مهر، نرخ تورم

خود را از دست دادند. با مرگ این دو نفر آمار، مرگ و میر کارگران کرد کردستان ایران از آغاز امسال تاکنون در اقلیم کردستان عراق به ۱۰ نفر رسید. در چند سال گذشته، صدها شهروند کرد کردستان ایران که بخش اعظم آن‌ها دارای تحصیلات عالیه‌ی دانشگاهی می‌باشند، به منظور یافتن شغل به اقلیم کردستان مهاجرت نموده‌اند. پرواضح است که مهاجرت این افراد با رضایت خاطر صورت نمی‌گیرد، بلکه به ناچار و تنها به منظور امرار معاش صورت می‌گیرد. اما گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم که حوادثی این‌گونه رخ می‌دهند و داغدارشدن خانواده‌ای را به دنبال دارد.

چه کسی در برابر این وضعیت مسئول است؟ دلایل ایجاد چنین وضعیتی چیست؟ پر واضح است که کردستان از محروم‌ترین مناطق ایران می‌باشد، بدین معنا که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... اهمیت و توجه لازم به آن نمی‌شود و در حاشیه قرار داده می‌شود. می‌توان گفت تنها جنبه‌ای که جمهوری اسلامی در مناطق کردنشین بسیار زیاد و حتی بیش از حد معمول مورد توجه قرار می‌دهد و کردستان از این نظر از سایر مناطق در اولویت قرار دارد، فرستادن نیروهای نظامی و میلیتاریزه کردن کردستان است. این عقب‌ماندگی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بدین معناست که بستر و زیرساخت‌های ضعیفی در کردستان وجود دارد، بلکه، برعکس، کردستان ایران هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر آب و هوا و معادن و منابع زیرزمینی، یکی از غنی‌ترین مناطق ایران

شمال ترغیبی

ترجمه: رامیار مرادی

یکی از ستون‌های اصلی مدیریت هر جامعه‌ای، بخش اقتصاد است. بدین معنا که اقتصاد شکوفا یا ضعیف می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر بگذارد. اگر به این بخش به معنای واقعی آن اهمیت داده شود، منجر به رشد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فکری خواهد شد و اگر آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگیرد، یا در خدمت تأمین منافع زمامداران و باندهای مشخصی قرار گیرد، جامعه در ابعاد فرهنگی، سیاسی و فکری دچار آشفتگی خواهد شد.

متأسفانه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نمونه‌ی عینی همین حالت دوم است، یعنی سران جمهوری اسلامی برای دستیابی به منافع شخصی و جناحی خود، منافع عمومی را قربانی نموده و مردم کشور نیز بایستی با عواقب این گونه سیاست‌ها دست و پنجه نرم کنند و به جای استفاده از ثروت و سامان کشور، ناگزیر برای تأمین معیشت زندگی به کارهای دشوار و طاقت‌فرسا روی بیاورند و گاه حتی در این راه جان خود را نیز از دست دهند.

روز سه‌شنبه ۲۸ آبان‌ماه در شهر اربیل(هولیر) دو برادر کرد اهل روستای "گیسیانی" ارومیه به نام‌های "صلاح" و "علی" در هنگام پاک کردن یک تانکر نفتکش دچار گازگرفتگی شده و جان

جام زهر هسته‌ای و ترديد‌های خامنه‌ای

سلام اسماعیل‌پور

خوان قدرت دست و پا کنند. این رفتار نشان می‌دهد که خامنه‌ای و رژیمش تا آنجا که مخاطبانشان جامعه‌ی بین‌المللی و اتاق‌های دیپلماسی سری است، از ابراز عجز و لایه و تملق به درگاه قدرت‌های جهانی ابایی ندارند و پنهان نمی‌کنند که تحریم‌ها کمرشان را شکسته و آماده‌ی هرگونه سازشی در راه بقای خویش هستند. اما زمانی که پشت تریبون‌های داخلی قرار گرفته و مردم ایران را مخاطب قرار می‌دهند، وانمود می‌کنند که نه جنگ و نه تحریم خللی در عزم و اراده‌ی آنان وارد ننموده و جهان در برابر قدرت آنان زانو زده و سران قدرت‌های جهانی از رهبر مستضعفان جهان! اجازه‌ی خاکبوسی و شرفیابی می‌خواهند.

این وضعیت رژیمی است که هرگز صداقت و صراحت را سرلوحه‌ی رفتار و برخورد‌هایش با مردم قرار نداده و به جای آن که مشروعیت را از توده‌های مردم گدایی کند، برای تأمین امنیت و بقای زمامداری خویش به درپوزگی در اتاق‌های دیپلماسی روی آورده و در این راه تن دادن به ذلت‌بارترین سازش‌ها را نیز افزودن حلقه‌ای دیگر بر زنجیره‌ی پیروزی‌های پیاپی سی و چندساله‌ی خود بر استکبار جهانی عنوان می‌کند. لیکن سؤال اینجاست که با این همه فتح‌الفتوح و شاهکار روزمره در تقابل با شرق و غرب عالم، چرا "وضعیت اژیر قرمز" و "برهه‌های خطیر" و فلاکت روزافزون مردم ایران را پایانی نیست و چرا این همه پیروزی کذایی توانسته است که رژیم را یک قدم از "برتگاه خطر و گردنه‌ی مهلک تاریخی معروفش" به سوی ساحل امن ثبات سوق دهد؟

نیز خامنه‌ای ابتدا از ابراز مخالفت علنی با تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای خوداری نمود، اما بعدها و در دوران احمدی‌نژاد، صراحتاً آن را اشتباه خواند.

اینک نیز خامنه‌ای در چنان وضعیتی گرفتار شده که می‌داند مخالفت صریح او با انجام چنین توافقی در کوتاه مدت، تحریم کامل صادرات نفت ایران از سوی کنگره‌ی آمریکا و در دراز مدت نیز خطرانی همچون فروپاشی اقتصادی و اضمحلال درونی یا حمله‌ی خارجی را برای خود و رژیمش به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، موافقت علنی او و حمایت صریح و بی‌پرده‌اش از این توافقنامه نیز به معنای پذیرفتن مسئولیت کامل نوشیدن این جام زهر و جام‌های بعدی است که متعاقب آن و در تکمیل توافق ژنو بایستی به آن تن در دهد. از همین روست که می‌بینیم تردید و دلشوره‌ای که به جان خامنه‌ای افتاده، نوعی تششت و پراکندگی دیدگاه‌ها را در میان باندهای مختلف رژیم و حتی حلقه‌ی وابستگان و نزدیکان وی نیز موجب شده است. به عنوان مثال، حمید رسایی از نمایندگان مجلس رژیم صراحتاً توافق ژنو را قراردادی خفت‌بار عنوان نموده و بسیاری از چهره‌های دیگر رژیم نیز در این زمینه از "ترکمانچای هسته‌ای" و "فروختن ۱۰ سال مقاومت به قیمت ۴ میلیارد دلار" حرف می‌زنند.

برخی از امامان جمعه و مراجع تقلید نزدیک به خامنه‌ای، همانند احمد جنتی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و ... نیز در موضعی جداگانه سعی دارند شکست هسته‌ای رژیم را به قیمت یک پیروزی بزرگ به مردم بفروشند و از این رهگذر و جبهه و مقبولیتی برای مافیای نشسته بر

سیاست‌های رژیم در میان همسایگان ایران و کشورهای منطقه را نگران می‌کند، نه متن توافق ژنو، بلکه احتمال تخطی رژیم از عمل به مفاد آن و خالی کردن جام زهری است که نوشیدن آن را در ژنو متعهد شده است.

حتی در متن پیام تبریک خامنه‌ای به تیم مذاکرات هسته‌ای و شخصی حسن روحانی نیز اثری از موفقیت آمیز بودن خود مذاکرات و پذیرفتن توافقنامه به عنوان یک پیروزی مشاهده نمی‌شود و در واقع خامنه‌ای صراحتاً از حسن روحانی به خاطر مرقومه‌ای تشکر می‌کند که پیشتر برای رهبر رژیم ارسال نموده و تفسیر خود از متن توافق را به وی عرضه نموده، نه محتوای واقعی و عینی توافق.

بر خلاف حامیان پرشور روحانی که از مذاکرات اخیر به عنوان فتح‌الفتوح دیپلماتیک یاد می‌کنند، خامنه‌ای بسیار محتاطانه با قضیه برخورد نموده و تردید و هراس خود از فرجام این ماجرا را مطلقاً پنهان ننموده و نسبت به غیر اعتماد بودن طرف‌های غربی هشدار می‌دهد. او در واقع نمی‌خواهد از همین حالا شمشیر را برای روحانی و کابینه‌اش از رو ببندد، بلکه سعی می‌کند تقصیر هرگونه شکست احتمالی در آینده‌ی این روند را به گردن خارجی‌ها بیندازد، چرا که هنوز با ترکیب روحانی - ظریف و شعبده‌بازی‌های دیپلمات‌مآبانه‌ی آنان کار دارد.

هنوز ماجرای توافقی که ده سال پیش، همین حسن روحانی با وزرای خارجه‌ی سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه، انگلستان) امضا نمود و خامنه‌ای در سالیان بعد، از آن به عنوان نرمشی خائنه و یا دست کم، اشتباهی استراتژیک یاد نمود، از خاطر نرفته است. در آن زمان



اسلامی آن پیروزی سرمست کننده‌ای بود که از آن دم می‌زنند و نه برای طرف‌های غربی تضمین قطعی جهت به بن‌بست کشانیدن و ختم پرونده‌ی اتمی رژیم تلقی می‌گردد.

حتی بدون در نظر گرفتن و موشکافی مفاد این توافق‌نامه نیز می‌توان تنها با نگاهی به مسکوت گذاشتن امر و بعضاً نیز اعتراض نه چندان جدی برخی از مقامات در اسرائیل و کشورهای غربی و عربی به این توافق، بی‌برد که رژیم در نرمش قهرمانانه‌ی خود، بسیاری از دستاوردهای هسته‌ای خویش را به باد داده است تا بر آشفتگی اوضاع و خطر فروپاشی درونی‌اش موقتاً غالب شود. این روزها آنچه که مخالفان

توافق هسته‌ای ژنو که این روزها سردمداران جمهوری اسلامی از آن به عنوان یک پیروزی سرنوشت‌ساز برای خود یاد می‌کنند، سؤالی است که این روزها ذهن اکثر کارشناسان، سیاستمداران و افکار عمومی را در رابطه با پیچیدگی‌های این پرونده‌ی غامض به خود مشغول نموده است.

برداشت‌های متفاوت و گاه متناقض در رابطه با این توافق، داستان همان فیل کذایی را به یاد می‌آورد که در تاریکی اصطبل، هر کسی دست بر یکی از اندام‌های آن ساییده و همان اندام را در ذهن خود فیل مجسم کرده و برای دیگران بازگویی می‌کرد. آنچه که بدون تردید می‌توان گفت، این است که توافق ژنو نه برای جمهوری



به کولبری روی آورده و به کاروان کولبران می‌پیوندند.

تحمل سرما و سختی‌های ناشی از آن، وجود جانوران درنده و سقوط از کوه‌ها و صخره‌ها و ترس از اصابت گلوله‌ی نیروهای رژیم و از دست دادن جان خویش، تنها برای بدست آوردن لقمه نانی، اینها و بسیاری دیگر بدین جهت است که به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بگویند که اگر امرار معاش و بدست آوردن لقمه نانی، تحت لوای این رژیم صد چندان با مشکل و سختی توأم باشد، ما هرگز در مقابل خواسته‌های چنین رژیمی سر فرود نمی‌آوریم.

بر اساس آمار آژانس خبرسانی کردیا، از آغاز امسال تاکنون، افزون بر ۵۹ نفر از کولبران در مرزهای کردستان توسط نیروهای رژیم کشته شده‌اند و این علاوه بر تمام ضرر و زیان‌های مادی است که به دلیل توقیف بار این کولبران، متحمل می‌شوند.

وضعیت نامناسب کولبران در گزارش «احمد شهید»، گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران نیز مورد توجه قرار داده شده و به بخشی از مشکلات و معضلاتی که با آن روبرو هستند، اشاره شده است. وضعیتی که نه تنها هیچ امیدی به بهبود آن وجود ندارد، بلکه روزبه‌روز وضعیت اقتصادی ایران بدتر شده و آینده‌ای نامعلوم دارد. آیا همان گونه‌که کردها از قدیم گفته‌اند، حتی برای امرار معاش نیز این ملت هیچ دوستی غیر از کوه‌های کردستان ندارد؟

زحمت خویش و با اتسکا به نیروی بازو و توان خویش، به کسب درآمد مشغولند، اما رژیم جمهوری اسلامی که وظیفه‌ی اصلی تأمین فرصت‌های شغلی و کار برای این مردم را بر عهده دارد، این‌را نیز بر آن‌ها روا نمی‌دارد و با وحشیانه‌ترین شیوه به مقابله با آنان برخاسته است.

در سایه‌ی سیاست‌های غیرعملی و ناکارآمد دولت‌های پیاپی رژیم، وضعیت زندگی مردم روزبه‌روز رو به وخامت افزونتر گذاشته و امروزه که بیش از ۵۰ درصد مردم کردستان بیکارند و آن بخش از مردم نیز که به ظاهر مشغولند، از یک سو به دلیل نداشتن درآمد و از سوی دیگر به دلیل فشار دستگاه‌های گوناگون رژیم در شهرها از جمله شهرداری، اداره‌ی مالیات، اماکن و ... نارضاضی بوده و پس از مدتی به ناچار مغازه‌ها و شغل‌های خود را تعطیل کرده و کنسار می‌گذارند و به جرگه‌ی بیکاران کردستان می‌پیوندند. این وضعیت به ویژه در فصول سرد سال و زمانی که مردم بیکار روستاها نیز برای امرار معاش به شهرها روی می‌آورند، چند برابر وخیم‌تر می‌شود و این موج عظیم به ناچار و از روی فقر، به کولبری و رفت و آمد در مرزها روی می‌آورند و به تبع آن، خود را در معرض هرگونه خطرات طبیعی (و غیر طبیعی) قرار می‌دهند تا بتوانند درآمدی هرچند اندک کسب نمایند. یکی دیگر از دلایل افزایش کولبران، آن گروه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها می‌باشند که به دلیل عدم وجود هرگونه فرصت شغلی برای آنان و نبود استخدامی،

میهن‌دوستی و ملی‌گراییشان روبه فزونی بوده است. برای اثبات این‌ا دعا می‌توان به هزاران فرزند مبارزی که سنگر مبارزه را پس از برادرانشان خالی نگذاشته و جای خالی آنان را با حضور سرفرازانه‌ی خویش پر نموده‌اند، اشاره کرد و به وضوح می‌توان گفت که نسل آزادخواه امروز کردستان، فرزندان زحمتکش بیست سال پیش کردستانند که مشاهد‌ی بی‌عدالتی‌های روا داشته شده بر مردم کرد، آنان را ترغیب نموده که سنگر حق‌طلبی ملت خویش را پر رهرو نگه دارند.

پس از آزادی کردستان عراق، دروازه‌ای به روی مردم کردستان برای تأمین معیشت و تداوم زندگی خود گشوده شد و امیدوار بودند که علیرغم وجود تمام سختی‌ها و معضلات طبیعی پیش روی آن‌ها در رفت و آمد میان مرزهای ساختگی کردستان عراق و کردستان ایران بتوانند امرار معاش نمایند، اما جمهوری اسلامی که هیچگاه چشم دیدن پیشرفت، ترقی و آرامش کردستان را نداشته و ریختن خون کردها را حلال می‌داند، این بار نیز به بهانه‌ی وجود قاچاق و حفاظت از آرامش مرزها اقدام به قتل‌عام مردم کرد نموده است و روزشمار رویدادهای کردستان، روزانه مملو از کشته شدن هم‌میهنان کرد توسط نیروهای ضد بشری رژیم می‌باشد و روزی را سراغ نداریم چند هم‌میهن کرد از ماکو تا مهران که بزرگترین تعاون آنان تلاش برای تأمین معیشت فرزندانشان است، در خون خود غلطند. کولبران کردستان یکی از اقشار مردم کردستان هستند که با رنج و

مبارزه جهت کسب نان

پیام

ترجمه: عادل مرادی

هنگامی که واژه‌ی "کولبر" را می‌شنویم، انسان‌هایی زحمتکش در ذهن مجسم می‌شوند که برای کسب درآمدی حداقلی و گذران زندگیشان، چند برابر وزن خود بار بر گرده‌ی خویش گذاشته و پستی و بلندی‌ها را پشت سر می‌گذارند و تمام خطرات این راه پر فراز و نشیب را به جان می‌خرند، این شرح سیمای افرادی است که همه‌ی ما به نوعی از صفحه‌ی نمایش تلویزیون آن را به تماشا نشسته‌ایم. اما به راستی "کولبر" کیست؟!!

انسان و فرد کرد همیشه تلاش نموده که سربلندانه عمرش را سپری نماید و در مقابله با مشکلات و سختی‌ها قد خم نکرده و همچون کوهی راسخ و استوار بر روی پاهایش بایستد. همین خصوصیت باعث شده است که در طول تاریخ در برابر سختی‌ها و دشواری‌های زندگی و فشار از ماندگاری و موجودیت خویش صیانت نماید. در این میان، اگر چه دشمنان و مخالفان این ملت همیشه سعی کرده‌اند که این استواری و استقامت ملت کرد را در هم شکسته و انسان‌هایی دست‌پرورده و بی‌اراده از ملت کرد بسازند، اما همیشه با اراده‌ی پولادین این ملت روبرو شده و توطئه‌هایشان نقش بر آب شده‌اند.

ملت کرد در طول تاریخ خود با مشکلات و دشواری‌های بسیاری روبرو شده است. می‌توان گفت که بخش اعظم این مشکلات از سوی حکومت‌های مسلط بر کردستان بر ملت کرد روا داشته شده‌اند. یکی از این مشکلات، عدم توجه به کردستان از لحاظ اقتصادی و محروم ساختن جامعه‌ی کردستان از ملزوماتی است که هر جامعه‌ای برای ادامه‌ی حیات به آن نیازمند می‌باشد. جمهوری اسلامی نیز به عنوان وارث حکومت‌های مسلط بر کردستان، سیاست پیشینیان خویش را نه تنها دنبال کرده، بلکه این سیاست ضد بشری را بسیار افزون‌تر و شدیدتر از گذشته ادامه می‌دهد. محروم ساختن کردستان از پیشرفت و ترقی و نوسازی، از همان

خشونت علیه زنان، رفتاری ضدانسانی



عرصه‌ی انسانی، پشتیبان و یاری‌رسان زنان و حقوق انسانی آنان باشند.

باشد، بلکه این وظیفه‌ی مردان روشنفکر و آزادخواه و برابری‌خواه است که در این

که زنان نزد ملت کرد از بقیه‌ی ملیت‌های ساکن مناطق پیرامون کردستان مقامی والاتر داشته و دارند. برای اثبات این ادعا می‌توان از میان هزاران نمونه به پشتیبانی اولین رئیس‌جمهور کردستان، پیشوا قاضی‌محمد برای فعال کردن زنان در زمینه‌ی رسیدن به حقوق خود و زدودن افکار واپسگرای مردسالارانه اشاره نمود. می‌توان گفت که در میان رهبران کرد کسانی بوده‌اند که باور عمیقی به حقوق برابر زن و مرد داشته‌اند و در این‌زمینه اقدامات جدی انجام داده‌اند، اما به نتیجه رسیدن این اقدامات به سطح اراده‌ی زنان و کمیت و کیفیت فعالیت‌هایشان در راستای از میان برداشتن فرهنگ مردسالاری و خشونت علیه زنان بستگی دارد. لازم به ذکر است که خشونت علیه زنان موجب رکود تعلیم و تربیت انسانی شده و این رکود نیز کجروی افراد جامعه (زن و مرد) را در پی خواهد داشت که این‌نیز پدیده‌ای نامطلوب را بازتولید می‌کند.

نباید تلاش در راستای از میان برداشتن خشونت علیه زنان فقط بر عهده‌ی زنان

توسعه می‌دهند و موجب تشدید و گسترش خشونت علیه زنان می‌شوند. در بسیاری از مواقع این سؤال مطرح می‌باشد که آیا لازم است برای رسیدن به سطح برابری زن و مرد، شخصیت زنان را همانند مردان نمود و هویتی همانند مردان به آن‌ها بخشید یا اینکه باید توانایی‌های آنان را برجسته و شکوفا کرد و در زمینه‌ای که می‌تواند مثمرتر و تأثیرگذار باشد، آن را هدایت نمود و بکار برد. متأسفانه بخش اعظم فیمینیستها بدون مطالعه‌ی دقیق و واقعگرایانه و بدون اینکه بر این امر واقف باشند که این خود نوعی توهین به مقام زن است، می‌کوشند تا هویتی کاملاً مردانه برای زنان کسب کنند و این تلاش‌ها نیز از افکار و تلاش‌های مردسالاری برای حفظ سلطه‌ی دیرپا و تاریخی خویش بر جامعه‌ی بشری سرچشمه می‌گیرد.

جای بسی تعجب است که با وجود اینکه کردستان نیز همچون بخش‌های دیگر خاورمیانه با ضعف توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی روبروست، در مقایسه با این مناطق و در نظر گرفتن وضعیت سیاسی، اقتصادی، ملی و فرهنگی، می‌توان ادعا کرد

بسیاری از ادیان، مذاهب، خط‌مشی‌های سیاسی و فکری، مسائل زنان و برابری زن و مرد را در مانیفست خود قرار داده‌اند و چنان با این مسأله برخورد می‌کنند که گویی کل افکار فیمینیستی از آنها نشأت گرفته، اما آنچه بر روی کاغذ نوشته می‌شود و مدعی آن هستند با عملکردشان در این خصوص تفاوت بنیادی دارد.

زنان مهمترین نقش را در پیشرفت زندگی بشری و تداوم و بقای طبیعت ایفا می‌کنند و می‌توان مدعی شد که زنان نماد واقعی زندگی و ادامه‌ی حیات بشر و تربیت و طبیعت هستند و در طول تاریخ به این منظور آماده‌ی فداکاری بوده‌اند.

از میان برداشتن معضل تاریخی خشونت علیه زنان، مستلزم فرایندی بنیادی و اصولی است که فرهنگ پدرسالاری و مردسالاری را به افکار برابری‌خواهی انسانی تغییر دهد و به گونه‌ای واقعی افکار و فرهنگ کنونی زنان و مردان را تغییر دهد. متأسفانه در حالی که انتظار می‌رود زنان به صورت جدی و فعالانه در این زمینه تلاش کنند، ناآگاهانه این فرهنگ مردسالاری را

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

برخی از قرص‌های مسکن رایج به قلب آسیب می‌رسانند



نتایج یک تحقیق نشان می‌دهند که برخی از قرص‌های مسکن رایج نظیر «ایبوپروفین» و «دیکلوفناک» که برای تسکین درد مورد استفاده قرار می‌گیرند، موجب آسیب رساندن به قلب می‌شوند. اغلب این مسکن‌ها برای تسکین درد شدید مفاصل مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دانشمندان آزمایشی را بر روی ۳۵۳ هزار بیمار انجام دادند و ۳۳۹ مورد تحقیق کلینیکی نیز در این زمینه صورت گرفت و این مسکن‌ها را که به صورت ۱۵۰ میلی‌گرم دیکلوفناک و ۲۴۰۰ میلی‌گرم ایبوپروفین توسط پزشکان برای بیماران تجویز می‌شوند، مورد آزمایش قرار دادند. این دانشمندان پس از چندین سال تحقیق و پژوهش درباره‌ی این دو نوع قرص، به این نتیجه رسیدند که این دو نوع مسکن قبل از آنکه برای تسکین دردها مفید باشند، باعث ابتلای بیمار به برخی حالات خطرناک همچون سکته‌ی قلبی و ایست قلبی می‌شوند.

به همین دلیل در مدت یک سال و در میان هزار بیماری که ایبوپروفین و دیکلوفناک را مصرف نمودند، سه مورد سکته‌ی قلبی، چهار مورد ایست قلبی و یک مورد مرگ و چندین حالت خونریزی بیش از حد معمول معده مشاهده گردید.

شخصیت خود را از طریق خوردن بستنی بشناسید

یک محقق آمریکایی که متخصص بویایی و چشایی است، در تحقیق خود به این نتیجه رسید که از طریق نوع بستنی مصرفی می‌توان شخصیت افراد را شناسایی کرد. بر اساس این تحقیق، میان شخصیت فرد و نوع و طعم بستنی مصرفی، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. این تحقیق به نتایج ذیل منجر شد:

- ۱- افرادی که بستنی وانیلی مصرف می‌کنند، تلاش می‌کنند که به شخصیتی نمونه تبدیل شوند.
- ۲- افرادی که بستنی شکلاتی مصرف می‌کنند، فعال و جذابتر هستند.
- ۳- افرادی که بستنی توت‌فرنگی مصرف می‌کنند، بخشنده و وفادارند.



غذا خوردن با دست موجب

جلوگیری از چاقی کودکان می‌شود

شدن آن‌ها جلوگیری می‌کند». همچنین اظهار داشت که کنترل کردن، کلید است و این علاوه بر نشستن بر سر سفره‌ی غذا به همراه خانواده می‌باشد زیرا باعث می‌شود که آنان غذا را به گونه‌ای میل نمایند که بیشترین سود را برایشان دارد.

شایان ذکر است که در این پژوهش، ۹۲ کودک که خوراکی‌هایی چون میوه و غذا را با دست می‌خوردند و ۶۳ کودک نیز که از شش ماهگی تا شش سالگی با قاشق غذا می‌خوردند، مورد آزمایش قرار گرفتند. در پایان مشخص گردید کودکانی که با قاشق غذا می‌خورند از کودکانی که با دست غذا می‌خورند، چاق‌ترند.

محققان به مادران توصیه می‌کنند که اگر به تناسب اندام کودکان خود اهمیت می‌دهند، به کودکانشان اجازه دهند قبل از درآمدن دندان‌هایشان با دست غذا بخورند. رسانه‌های ارتباط جمعی انگلستان آشکار ساختند که بر اساس یک تحقیق جدید، کودکانی که قبل از درآوردن دندان، غذا یا خوراکی‌هایی را مصرف می‌کنند که آن‌ها را با دست برمی‌دارند از کودکانی که فقط با قاشق غذا می‌خورند، وزنشان کمتر است. دکتر «ایلن تاونسندی» متخصص روانشناسی کودکان که سرپرستی این پژوهش را بر عهده داشته، گفت: «کودکان خواهان کنترل نوع خوراکی مصرفی خود هستند و این، از چاق



همه‌ی وعده‌های

رئیس‌جمهور (ماده‌ی سوم)

پس از گذشت ۱۰۰ روز از به قدرت رسیدن حسن روحانی به عنوان هفتمین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن وعده‌هایی که قبل از انتخابات به مردم ایران و به ویژه ملیت‌های ایران داده بود، آشکارا برایمان عیان خواهد شد که نامبرده هم مثل گذشته‌گان خود تنها به منظور فریب افکار عمومی قبل از انتخابات ژستی دگراندیشانه به خود می‌گرفت، وگرنه کار و اقدامات حسن روحانی در مدت زمان به قدرت رسیدنش به عنوان رئیس‌جمهور سندی انکارناپذیر است برای اثبات این مدعی که در جمهوری اسلامی ایران تنها نقاب‌ها عوض می‌شوند و ماهیت و محتوی آن نظام، قابل تغییر نیست و هر کس در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی به عنوان رئیس‌جمهور روی کار بیاید هیچ‌گونه تفاوتی با رئیس‌جمهورهای قبل از خود ندارد و هر قول و وعده‌ای را هم که بدهد تنها در چهارچوب تبلیغات قبل از انتخابات قابل بررسی خواهد بود.

از همین رو اکنون به تدریج برایمان آشکار می‌شود که همه‌ی وعده‌های حسن روحانی طبلی توخالی بود که صدایش تنها از دور خوش بود.

ماده‌ی سوم منشور ۱۰ ماده‌ای حسن روحانی برای حقوق ملیت‌ها: - انتصاب نیروهای شایسته محلی در پست‌های مدیریتی مناطق مختلف کشور و حمایت تقویت و تقویر اختیار و واگذاری امور اجرایی محلی و منطقه‌ای به آنان در قالب سیاست‌های عمومی دولت. این یکی از وعده‌های حسن روحانی به ملیت‌های ایران بود که بخشی از اصلاح‌طلبان کرد و حتی برخی از جریان‌های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی را به وجد آورد به شکلی که در رسانه‌ها شروع به تبلیغات به نفع حسن روحانی نمودند طوری که حسن روحانی با دادن چنین وعده‌هایی و انتصاب استانداران کرد در چهار استان کردستان ایران تابوی سی و چند ساله‌ی جمهوری اسلامی را می‌شکند و استان‌های کرد به دست افراد بومی آن استان‌ها سپرده خواهد شد و این مسأله هم نزد آنان نشانه‌ای بود برای گشایش فضای سیاسی امنیتی و دریچه‌ای بود برای حل مسأله کرد در کردستان ایران. اما اکنون که استانداران هر چهار استان کردستان ایران تعیین شده‌اند و هیچ کدام از آن‌ها کرد و بومی نیستند، حقیقت موضع بخشی دیگر از اپوزسیون مخالف جمهوری اسلامی به اثبات رسید که در چهارچوب جمهوری اسلامی افراد توان تغییر ماهیت آن نظام را ندارند و در سیاست‌های کلان و عمومی آن رژیم هیچ جایی برای ملیت‌های ایران و افراد متخصص و دلسوز آن ملیت‌ها در نظر گرفته نشده است.